

گزارش

فقر یکی از چالش‌های اساسی جوامع انسانی است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان، جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان قرار داشته است. تعریف دقیق فقر و فهم پیام‌های آن، بسته به رویکرد نظری و زمینه‌های اجتماعی متفاوت است. آگاهی از دیدگاه‌های مختلف در رابطه با فقر می‌تواند کلیدی برای رسیدن به راهکارهای مقابله با آن باشد. به همین جهت خوانش فقر از نگاه اندیشمندان این حوزه قابل تأمل است. همچنین تقابل دو پدیده فقر و رفاه، نقاط تاریک این پدیده اجتماعی را بیش از پیش روشن می‌کند تا برنامهریزان و سیاست‌گذاران بتوانند با اتخاذ تصمیمات اصولی و درست جامعه را از بحران فقر نجات دهند.

فقر مفهومی چندبعدی است که تنها به محرومیت اقتصادی محدود نمی‌شود و جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی را در بر می‌گیرد. تعریف فقر بسته به چارچوب مفهومی و روش شناختی متفاوت است. فقر مطلق به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد قادر به تأمین حداقل نیازهای اساسی خود از جمله غذا، مسکن و بهداشت نیستند. این تعریف مبتنی بر یک معیار جهانی و کمی است که نهادهایی مانند بانک جهانی بر آن تکیه می‌کنند. فقر نسبی در مقایسه با دیگر افراد جامعه تعریف می‌شود. طبق این رویکرد، فقر به معنای ناتوانی فرد در رسیدن به استانداردهای معمول زندگی در جامعه‌ای خاص است. در اینجا فقر به شکلی پویا و وابسته به شرایط اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. مثلاً فردی که در کشوری پیشرفته زندگی می‌کند اما درآمدش به مراتب کمتر از میانگین جامعه است، ممکن است در دسته افراد فقیر قرار بگیرد، هرچند در سطح جهانی فقیر محسوب نمی‌شود.

دیدگاه‌های نظر به‌پردازان و جامعه‌شناسان

نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان از زوایای مختلف به مسئله فقر پرداخته‌اندو تلاش کرده‌اند با ارائه تئوری‌ها و تحلیل‌های خود، به درک بهتری از ریشه‌ها و پیامدهای فقر دست یابند. ماکس وبر (جامعه‌شناس آلمانی) به نابرابری‌های اجتماعی و تأثیرات مختلف آن‌ها بر فقر توجه دارد. به عقیده وبر، فقر تنها به اقتصاد محدود نمی‌شود بلکه عوامل دیگری مانند قدرت، پرستیژ و وضعیت اجتماعی نیز نقش مهمی در تعریف آن دارند. وبر همچنین به اهمیت سیستم‌های بوروکراتیک و سیاست‌های دولت در کاهش یا افزایش فقر اشاره می‌کند. از دید او، نهادهای اجتماعی و روابط قدرت می‌توانند نقشی حیاتی در پایداری یا کاهش فقر ایفا کنند. آمارتیا سن، اقتصاددان برجسته هندی و برنده جایزه نوبل، مفهوم

گزارش

فقر در تاریخ ایران زمین مسئله‌ای پیچیده و چندوجهی است و ریشه‌های تاریخی و ساختاری متعددی دارد. این پدیده از دل تحولات داخلی و تأثیرات بین‌المللی مختلف بیرون آمده است. برای بررسی ریشه‌های فقر در ایران، باید به مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در برهه‌های مختلف توجه کرد. این مسئله به عوامل متعددی همچون نبود زیرساخت‌های اقتصادی مناسب، مدیریت نادرست منابع، سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد، وابستگی اقتصادی به نفت، فساد، جنگ‌ها و تحریم‌ها مربوط می‌شود. تنب‌ارشناسی فقر و بررسی مسیر آن در ایران، ما را به این مضمون رهنمون می‌کند که فقر پدیده‌ای یک‌شبه و اتفاقی نیست بلکه در طول ادوار مختلف و به‌واسطه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های مختلف به وجود آمده و مزمن شده است.

طلیعه وابستگی اقتصادی در دوران قاجار

ریشه‌های فقر سیستماتیک در ایران را می‌توان در دوران قاجار و شاید حتی پیش از آن یافت. در دوره قاجار، ایران درگیر مشکلات متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود که عوارض آن در وضعیت معیشتی مردم هویدا می‌شد. ضعف ساختاری دولت قاجار در مدیریت منابع و عدم توانایی در ایجاد نهادهای مدرن اقتصادی، یکی از عوامل ایجاد فقر گسترده در جامعه محسوب می‌شود. از طرف دیگر، ایران در این دوره به شدت به قدرت‌های استعماری، به‌ویژه بریتانیا و روسیه تعلق خاطر داشت. قراردادهای ناعادلانه‌ای که توسط دولت‌های وقت امضا شد، باعث تضعیف بیشتر اقتصاد ملی و افزایش وابستگی به واردات شد. این وضعیت، امکان توسعه تولید داخلی و خودکفایی اقتصادی را از بین برد و فقر را در جامعه وسعت بخشید. .

مدرنیته و چالش فقر

با روی کار آمدن پهلوی اول، تلاش‌هایی برای مدرنیزاسیون کشور آغاز شد. رضا خان برنامه‌های اصلاحی متعددی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی به اجرا گذاشت که در کوتاه‌مدت توانست برخی مشکلات اقتصادی را کاهش دهد اما این برنامه‌ها، بالعکس بیشتر روی تقویت قدرت مرکزی و کنترل منابع اقتصادی به نفع دولت متمرکز بود. این تغییرات باعث ایجاد نابرابری‌های جدیدی

به بهانه روز جهانی ریشه کنی فقر

راهکارهای رسیدن به رفاه جهانی چیست؟



قابلیت‌ها را به‌عنوان رویکردی نوین به فقر معرفی می‌کند. به عقیده سن، فقر تنها به معنای کمبود درآمد نیست، بلکه ناتوانی فرد در تبدیل منابع به فرصت‌های واقعی برای زندگی بهتر است. او بر این باور است که افراد باید قابلیت‌های لازم برای انتخاب زندگی که می‌خواهند را داشته باشند. بنابراین، فقر زمانی اتفاق می‌افتد که افراد قادر به استفاده از منابع و امکانات موجود برای تحقق پتانسیل‌های خود نباشند.

امیل دورکیم (جامعه‌شناس فرانسوی) به فقر از منظر همبستگی اجتماعی نگاه می‌کند. او معتقد است که فقر نتیجه فروپاشی همبستگی اجتماعی است. در جوامعی که افراد به یکدیگر متصل و وابسته هستند، احتمال بروز فقر کمتر است. به باور دورکیم، انحرافات اجتماعی مانند بیکاری و فقر زمانی رخ می‌دهد که جامعه دچار آنومی (بی‌هنجاری) شود، یعنی زمانی که هنجارهای اجتماعی ضعیف است و انسجام اجتماعی از بین می‌رود.

اسکار لویثس (انسان‌شناس آمریکایی) یکی از نظریه‌پردازان مطرح در زمینه فرهنگ فقر است. او معتقد است که فقر نتیجه شرایط اقتصادی و در واقع یک خرده فرهنگ است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. فرهنگ فقر نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای غالبی است که مانع از تلاش برای خروج از فقر می‌شود. به عقیده لویثس، افراد فقیر به دلیل پذیرش این فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن، در چرخه فقر قاقی می‌مانند.

آنتونی گیدنز (جامعه‌شناس انگلیسی) بر نقش ساختارها و کنش‌های اجتماعی در تداوم یا کاهش فقر تأکید دارد. او معتقد است که ساختارهای اجتماعی مانند طبقات اجتماعی و نهادهای دولتی نقش مهمی در تعیین شرایط زندگی افراد و ایجاد یا کاهش فقر دارند. از دیدگاه گیدنز، برای فهم بهتر فقر باید به تعامل بین فرد و ساختار توجه شود. افراد توسط ساختارها شکل می‌گیرند و قادر به تغییر آن‌ها هستند.

تأثیر سیاست‌گذاری‌های تاریخی در گسترش فقر

در جامعه شد. طبقات پایین‌تر که به دلیل سیاست‌های دولت در توسعه زیرساخت‌ها و صنعت، از امکانات کمتری برخوردار بودند، در معرض فقر بیشتری قرار گرفتند. در دوران پهلوی دوم، ایران وارد فاز جدیدی از توسعه اقتصادی شد که عمدتاً بر پایه درآمدهای نفتی استوار بود. مهم‌ترین رویداد این دوره، معروف به انقلاب (۱) سفید است که در آن تلاش‌هایی برای اصلاحات ارضی، صنعتی‌سازی و گسترش خدمات اجتماعی انجام شد. در اینجا هم هرچند در ابتدا اصلاحات اشاره شده باعث افزایش سطح رفاه و کاهش فقر در بخش‌هایی از جامعه شد، اما به‌دلیل تمرکز بیش از حد بر نفت و عدم توجه به توسعه پایدار در بخش‌های کشاورزی و صنعتی، اقتصاد ایران به شدت به درآمدهای نفتی وابسته شد. این وابستگی ساختاری به نفت، آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در برابر نوسانات قیمت جهانی نفت را در پی داشت و در نتیجه، در دهه‌های بعد، فقر سیستماتیک را در کشور تشدید کرد.

انقلاب اسلامی و تغییرات بنیادین

پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ایران وارد دوره‌ای تازه از تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شد. یکی از اهداف اصلی انقلاب، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و ایجاد عدالت اجتماعی بود. البته با وقوع جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ و تداوم آن به مدت هشت سال، اقتصاد ایران به شدت آسیب دید. هزینه‌های بالای جنگ و تخریب زیرساخت‌های اقتصادی، موجب افت شدید تولید ناخالص داخلی و افزایش نرخ فقر شد. علاوه بر این، سیاست‌های اقتصادی پس از انقلاب، با وجود تلاش‌هایی که برای عدالت اجتماعی صورت گرفت، نتوانست به‌طور کامل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را حل کند. در این دوره، اقتصاد ایران همچنان به نفت وابسته بود و این وابستگی، در کنار تحریم‌های بین‌المللی پس از انقلاب، منابع مالی دولت را محدودتر کرد. تحریم‌های اقتصادی، علاوه بر کاهش درآمدهای نفتی، کاهش دسترسی ایران به بازارهای جهانی و فناوری‌های نوین را به دنبال داشت که به نوبه خود، بر توانایی کشور برای ایجاد شغل و توسعه پایدار تأثیر منفی گذاشت.

بازسازی پس از جنگ

پس از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷، دولت تلاش کرد با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، شرایط را برای بازسازی

جامعه

و نداشتن امید به آینده، به فعالیت‌های غیرقانونی روی می‌آورند تا نیازهای خود را برآورده کنند. رفاه باعث ایجاد احساس امنیت و اعتماد به آینده در افراد می‌شود. افراد مرفه به دلیل داشتن منابع کافی، کمتر نگران مسائل مالی و بقا هستند و این امر به آن‌ها امکان می‌دهد تا با آرامش بیشتری به زندگی خود ادامه دهند و حول بزهکاری نچرخند.
• آموزش: عدم دسترسی به آموزش مناسب را در بسیاری از موارد می‌توان محصول فقر دانست. افراد فقیر به دلیل نداشتن توانایی مالی، امکان تحصیل در مدارس و دانشگاه‌های خوب را ندارند و به این خاطر در دام فقر باقی می‌مانند. مرفه‌ها اما از آموزش خوب و کافی برخوردارند؛ چیزی که مسیرشان را به سمت فرصت‌های شغلی و درآمد هموار می‌کند.

• سلامت جسمی و روانی: تأثیر منفی فقر روی سلامت افراد بر کسی پوشیده نیست. افراد فقیر معمولاً دسترسی کمتری به خدمات بهداشتی دارند و به دلیل تغذیه نامناسب و نداشتن امکانات کافی، از بیماری‌های مختلف جسمانی و روانی رنج می‌برند. افراد مرفه به دلیل دسترسی به خدمات بهداشتی و تغذیه مناسب، میزان سلامت جسمانی و روانی بهتری دارند. آن‌ها همچنین امکان انجام فعالیت‌های ورزشی و تفریحی را دارند که به بهبود سلامت کلی منجر می‌شود.
• انزوای اجتماعی: فقر باعث می‌شود که افراد به واسطه محرومیت از زندگی اجتماعی فعال، دچار انزوای اجتماعی شوند. این انزوا می‌تواند تأثیرات منفی بر روابط خانوادگی و اجتماعی آن‌ها بگذارد. رفاه به افراد امکان می‌دهد که به‌طور فعال در زندگی اجتماعی شرکت کنند و به توسعه فرهنگی و علمی جامعه کمک کنند. افراد مرفه معمولاً فرصت بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دارند و در ارتقای سطح زندگی اجتماعی سهیم هستند.

نقش دولت‌ها

دولت‌های جهان در کاهش فقر و رشد رفاه و جلوگیری از گسترش شکاف طبقاتی، نقش حیاتی دارند. سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی که توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها را در پی داشته باشند، به کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی منجر می‌شوند. سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت عمومی می‌تواند در آینده به افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود سلامت افراد بینجامد. افراد با تحصیلات بهتر و سلامتی مطلوب‌تر، امکان خروج از چرخه فقر را پیدا می‌کنند. همچنین دولت‌ها می‌توانند با ارائه تسهیلات مالی و آموزشی به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، در افزایش اشتغال و کاهش فقر نقش مؤثر بازی کنند. ایجاد سیستم‌های حمایتی برای افراد کم‌درآمد، مانند پرداخت کمک‌های مالی، تأمین مسکن و خدمات بهداشتی رایگان، می‌تواند به بهبود شرایط زندگی این افراد منر شود. از طرفی یکی از عوامل اصلی تشدید فقر در جوامع، فساد اقتصادی و سیاسی است. دولت‌ها باید با اجرای سیاست‌های شفافیت و مبارزه با فساد، از انباشت ثروت در دست عده‌ای معدود و ایجاد نابرابری اقتصادی جلوگیری کنند.

تأثیر فقر بر رفاه و سلامت اجتماعی

حمایتی از گروه‌های اجتماعی «مروری کوتاه به وضعیت فقر در کشور انداخته است. در این گزارش آمده که نرخ فقر متوسط کشور از سال ۱۳۹۶ به بعد افزایش چشمگیری داشت و از حدود ۳۰ درصد به ۲۰٫۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسید. به عبارت دیگر، نرخ فقر متوسط طی پنج سال حدود ۱۰ واحد درصد افزایش یافت؛ یعنی به ازای هر سال ۲ واحد درصد.

آن طور که در این گزارش آمده، افزایش شکاف فقر در تمام این سال‌ها رو به افزایش بوده است. پیش از این نیز، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی از وضعیت فقر در ایران نوشته بود که شکاف فقر که فاصله فقر تا خط فقر را اندازه‌گیری می‌کند، در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به بالاترین مقدار خود یعنی ۲۷ درصد رسید. نکته قابل توجه این است که طی اقدامات انجام گرفته در سال‌های اخیر و بر اساس گزارش بانک جهانی با معیارهای فقر جهانی، بین سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۰ و ۲۰۲۳-۲۰۲۲ با احیای اقتصاد، فقر در کشور کاهش یافته است. طی دو سال، نرخ فقر بر اساس خط درآمدی ۶٫۸ دلار در روز، ۷۴ درصد کاهش یافت و به ۲۱٫۹ درصد در سال ۲۰۲۳-۲۰۲۲ رسید. یعنی ۶۵ میلیون نفر از این خط فقر بالا کشیده شدند. جمعیتی که در زیر خط فقر درآمدی ۳٫۶۵ دلار در روز قرار داشتند نیز ۲۰ درصد کاهش یافت و به ۳٫۸ درصد از کل جمعیت کشور رسید. بررسی داده‌ها سال نشان می‌دهد در این سال‌ها بارانه نقدی نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود حداقل معیشت برای افراد جامعه داشته است.

در نهایت باید گفت آنچه برای فقرزدایی در جوامع انجام می‌شود حاصل بررسی سیر تطور فقر است. مهم‌ترین نکته در سیاست فقرزدایی خروج افراد از قید عنوان فقیر است. در تحقق این امر علاوه بر تأمین معاش می‌بایست سیاست‌هایی را به کار گرفت که امکان ورود افراد به بازارهای اقتصادی را فراهم کند. همچنین اهمیت فقر را در گستره ابعاد آن باید درک کرد که شاخه‌های خود را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تند. فقر در سطح خرد و کلان اقتصاد را متأثر می‌کند. توزیع نابرابر ثروت، توقف چرخ تولید، رشد تورم، عدم سرمایه‌گذاری در بخش تولید و گسترش مشاغل کاذب و بی‌پشتوانه همگی نشانه‌هایی هستند که چهره فقر پشت آن‌ها مخفی شده است. برای بهبود اوضاع نابه‌سامان برآمده از فقر، امروز باید تاریخ را دگرگون کرد و نقشی نورقم‌زد؛ چرا که آینده کشور به افزایش سطح رفاه و تولید و اشتغال بسته است.



atiyeno.ir

یادداشت

بی‌پولی!



ریشه می‌دهد، ریشه‌ها آب می‌خورند، جان می‌گیرند و با سرعتی بیشتر می‌دوند. با هر تکهانه اقتصادی پا می‌کشند به اعماق، در هم می‌تنند و دست هم را رها نمی‌کنند. در ظلمت بی‌انتهای کفاف ندادن حقوق و اجاره خانه و گرانی مداوم، متاستاز می‌دهند و چنگ می‌اندازند روی ریا ل به ریا لی که قرار است به زخم زندگی بزنی. سر آخر آدمی را، درخت تنومند وجودش را پایین می‌کشند و بر زمین می‌کوبند. فقر است این ابلیس بی‌رحم صدچهره. بیهقی می‌نویسد: مردی با همت را فقر عذاب‌ی است الیم. درست می‌گوید، چگونه نباشد وقتی به چهارستون تنش تکیه زده و کار کرده اما همچنان مقابل خواهش بی‌دغدغه فرزندان‌ش، شرم در نگاهش وول می‌خورد. جرجانی می‌نویسد فقر نداشتن مایحتاج است و تفاوت آن با فقد این است که فقد نداشتن چیزی است که بدان نیازی نیست و آن را فقر نتوان گفت. آری فقر را به تلخی شکیبایی از سر می‌گذرانی اما نداشتن مایحتاج را چه کنی که روزمرگی زندگی بی‌پیر، نمی‌گذارد فراموشش کنی. دهخدا در اولین بیان درباره فقر می‌نویسد: کندان. به این واژه فکر می‌کنی و کنده شدن را در تاریخ این سرزمین از پیش چشم می‌گذرانی؛ سلسله‌ها که جنجیدند و رفتند و هربار تن ایران را به این کندن و فقر بیشتر آلودند. چرا هر روز بی‌پولی بیشتر روی می‌نماید و دست از سر مردمی که جلد کینه‌شناسنامه‌های‌شان درد می‌کند برنمی‌دارد. دیدن چهره فقر در کوچه و خیابان‌های شهر، بین اطرافیان، در میان حاشیه‌نشینان و کودکان کار سخت نیست. هرروز اخباری مبنی بر بازماندن کودکان از تحصیل، نداشتن هزینه درمان یک بیمار، کوچک شدن سبد غذایی خانوار، دست شستن از خواسته‌ها، حذف سبب فرهنگی و مطالبه حقوق از سوی کارگران و معلمان و پرستاران به گوش می‌خورد. این‌ها زنگ خطر است و نباید به راحتی از کنارشان عبور کرد. نهادهی شدن فقر و تبعات جبران‌ناپذیر آن نباید به فردای کودکان ایران را پیداکند. البته باید در نظر داشت که فقر یک پدیده جهانی است و تنها مختص جامعه ما نیست. به‌طوری که سازمان ملل متحد اهداف توسعه هزاره را ریشه کن کردن فقر اعلام کرده است. در دنیای امروز چیزی حدود سه میلیارد نفر، یعنی به‌طور تقریبی نیمی از جهان، زندگی روزمره خود را با درآمدی کمتر از ۳ دلار در روز سپری می‌کنند و طبق تعریف بانک جهانی فقیر به حساب می‌آیند. در میان جوامعی که با فقر دست به گریباندن، از میان هر پنج کودک، یک کودک نمی‌تواند تولد پنج سالگی خود را تجربه کند. حتی کشورهای توسعه‌یافته نیز همچنان با این هیولای هفت‌سر می‌جنگند تا چشم اسفندیار ش را ببایند. ما نیز یک از هزارانیم در این وادی که همت عالی مسئولان لازمه تغییر وضعیتمان است. نهادهای ذی‌ربط باید از طریق بهبود فضای آموزش و پرورش، تقویت اشتغال‌زایی، تسهیل‌گری در امر کارآفرینی، دسترسی آسان به خدمات بهداشتی و درمانی رایگان، حمایت اجتماعی از گروه‌های کم‌درآمد و بدون درآمد، توسعه زیرساخت‌ها، تلاش برای از بین بردن نابرابری، تقویت اقتصادهای محلی و خرد، پروپال دادن به تعاونی‌ها و عزم آهنین در مبارزه با فساد راه‌برون رفت از بتلاق فقر را پیدا کنند. بیان تلخی‌ها گاهی، روزه‌ای است برای یافتن راه نجات.

جامعه جوان ایران نیاز به حرکت دارد، نیاز به تنفس در هواهای تازه اقتصادی تا از طریق آن بتواند مهارت‌ها و استعداد‌های خود را نمایان کند. تصویر بزرگی که از تأثیرات فقر بر جامعه در دست داریم، نشان از عدم توانایی در این حرکت است. فراهم نبودن امکانات و زیرساخت‌ها نیروهای جوان و مستعد را بی‌انگیزه کرده و رو به زوال می‌برد. نکته دیگر اشراف به این مسئله است که فقر امری طبیعی نیست و نباید با آن سازگاری کرد. طبیعی شمردن آن، راه مبارزه را می‌بندد و نمی‌توان جلوی نفوذش را به لایه‌های عمیق زندگی مردم گرفت. آنچه افراد را به جرگه فقر ملحق می‌کند عدم توانایی تأمین معاش، فقدان درآمد مکفی و قابل اتکا و فقدان مالکیت بر دارایی‌هاست. بنابراین رفع آن‌ها به معنای رفع فقر خواهد بود. با این‌هاست که می‌توان به شاخص‌های فقرزدایی و ایجاد اوضاع مناسب رفاهی در کشور جامه عمل پوشاند.